

جماعت یه دنیا فرق	بین دیدن و شنیدن
برید از اونا برسید	که شنیده ها رو دیدن
راز سنگرای عشق	اید از ستاره پرسید
التهاب تشنه ها رو	کی میدونه غیر خورشید
پشته ها پر از شقایق	کشته ها لاله عاشق
باغ گل زخم شکفته	غنچه ها داغ نهفته
صبح صحرا لاله گون بود	
شب دریا رنگ خون بود	
میگن عاشقی محاله	باشه ما محال دیدیم
خیلی ها میگن خیاله	ولی ما خیال دیدیم
توی عصر آتش و خون	خیلی ها عشق چشیدن
بعضی هام زرد و فسرده	موندن و حسرت کشیدن